

Investigation and analysis, the impermissibility of "voluntary euthanasia" in the Quran verses and the first generation of human rights

(Received: 2022/06/23- Accepted: 2023/02/22)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.9.8>

Qasim Babaei¹

Abstract

One of the challenging subjects in today's era is voluntary euthanasia; the excess of discussion in the academic space has also found an opening towards the cultural and cinematic space that they are trying to license by de-ugliness.

Some organizations and governments promote the desire for voluntary euthanasia by destigmatizing it through media and legal activities. Countries such as Belgium, Luxembourg, the Netherlands, Switzerland and recently Spain have declared it legal.

The research method will be based on descriptive, analytical studies and finding common horizons from an intra-religious perspective (verses of the Holy Quran and extra-religious ones (the first generation of human rights).

From the perspective of the Holy Quran, there is no evidence for the permissibility of voluntary euthanasia, which It is possible to point out the reasons for impermissibility such as the right to life, the right to human dignity, the exclusivity of the right to die for God, the principle of the wisdom of pain and suffering, and the possibility of error in diagnosis. Also, from the point of view of some human rights articles, especially the rights of the first generation of human beings, it is possible to prohibit Euthanasia became known.

دو فصلنامه علمی مطالعات تفکر اسلامی

سال هفتم
شماره اول
پیاپی: ۱۳
بهار و تابستان
۱۴۰۱

1.Ph.D. student in Philosophy of Law, Bagheral Uloom University (AS), Instructor, Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran. yaser_babaei@yahoo.com



بررسی و تحلیل عدم جواز «اوتانازی داوطلبانه» در آیات قرآن و نسل اول حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.7.1.9.8>

قاسم بابائی^۱

چکیده

یکی از موضوعات چالشی در عصر حاضر، اوتانازی داوطلبانه است؛ که مازاد بر گفت‌گو در فضای دانشی، روزه‌ای نیز به سمت فضای فرهنگی، سینمایی پیدا کرده است که در تلاشند با قبح زدایی به تجوز آن بپردازند.

برخی سازمان‌ها و دولت‌ها با قبح زدایی از طریق فعالیت‌های رسانه‌ای و قانونی اعلام کردن، اوتانازی داوطلبانه، رغبت به سمت آنرا ترویج می‌کنند. کشورهای مانند بلژیک، لوکزامبورگ، هلند، سوئیس و اخیراً اسپانیا، آنرا قانونی اعلام کرده‌اند.

روش تحقیق براساس مطالعات توصیفی تحلیلی و یافتن افق‌های مشترک از منظر درون دینی (آیات قرآن کریم و برون دینی) نسل اول حقوق بشر) خواهد بود.

از منظر قرآن کریم دلیلی بر جواز اوتانازی داوطلبانه وجود ندارد که می‌توان به دلایل عدم جواز؛ مانند حق حیات، حق کرامت انسان، انحصاری بودن حق مرگ برای خداوند، اصل حکیمانه بودن درد و رنج و احتمال خطا در تشخیص اشاره کرد. همچنین از منظر برخی مواد حقوق بشر به‌ویژه حقوق نسل اول بشرمی توان به منع اوتانازی آگاهی یافت.

کلیدواژه‌ها: اوتانازی داوطلبانه، قرآن کریم، نسل اول حقوق بشر، حق حیات، کرامت انسانی، عقل خود بنیاد

بیان مسأله

یکی از موضوعات چالشی در عصر حاضر، موضوع اوتانازی داوطلبانه است؛ که مازاد بر گفت‌گو در فضای دانشی، روزنه‌ای نیز به سمت فضای فرهنگی، سینمایی پیدا کرده است و از این جهت حائز اهمیت دو چندان شده است، زیرا برخی موضوعات صرفاً در فضای دانش با چالش رو برور است اما هیچ وقت دارای امتداد نبوده و به فضای اجتماعی وارد نمی‌شود اما برخی موضوعات به سبب دارا بودن اهمیت و به سبب ویژگی اجتماعی از بخش نظری به بخش عملی و اجتماعی جامعه وارد می‌شود. موضوعی که کم‌وبیش در فضای سینمایی می‌توان دید: ترویج مرگ آسان، تمایل برخی از بازیگران به خاتمه دادن زندگی با روش اوتانازی و ساختن فیلم‌هایی درباره اوتانازی است، تری شایوو، وانیاک دمودار، سوارکار، جورج پنجم و هوگو کلاوس نمونه‌هایی از ستاره‌های سینمایی و چهره‌ها ی سیاسی فرهنگی هستند که با روش اوتانازی به زندگی خاتمه دادند. در عرصه سینما فیلم‌هایی مانند لکلک سیاه، بیسکویت سبز و فیلم دریای درون با همین موضوع تولید شده است (رحیمی، ۱۳۹۲: ۴۸).

موضوع اوتانازی داوطلبانه در فضای علمی با چالش‌های جدتری مواجه است که در مجموع با دو رویکرد مخالف و موافق همراه است. مخالفان اوتانازی داوطلبانه-اعم از دین‌داران و مدافعان حقوق بشر- پذیرش اوتانازی را ناسازگار با کرامت انسانی و حق نسل اول بشری؛ یعنی حق حیات انسان می‌دانند و موافقان اوتانازی به دلایلی مانند کاهش درد، حفظ کرامت انسانی و خود آیینی فرد استدلال می‌کنند. بنابراین، با توجه به چالشی بودن اوتانازی داوطلبانه که مازاد بر فضای علمی در فضای رسانه‌ای و اجتماعی نیز حضور یافته است، پرداختن به این موضوع حائز اهمیت است. روش و منطق پردازش در این مقاله از طریق رویکرد توصیفی-تحلیلی است که با ملاحظه رویکرد درون دینی (آیات قرآن کریم) و برون دینی (نسل اول حقوق بشر) خواهد بود و علت گزینش دو رویکرد به سبب دارا بودن پتانسیل بالا در پذیرش است، چرا که هرگاه دلایل مؤید یا عدم مؤید یک موضوعی مازاد بر دلایل درون دینی- برآمده از آیات و روایات - با دلایل برون دینی نیز همراه باشد در این صورت در اقیان سازگی مخاطب نقش مهمی دارد؛ زیرا انسان‌ها گونه‌های متفاوتی دارند برخی از انسان‌ها به سبب ایمان درونی، باورها و باید و نبایدهای دینی را به راحتی می‌پذیرند اما برخی دیگر از انسان‌ها نیازمند استدلال و برهان از روش‌های دیگری غیر از روش دینی جهت پذیرش و اطاعت هستند.

تحقیق پیش رو با هدف شناساندن منطق قرآن و با هدف بررسی ماهیت اوتانازی داوطلبانه که در تعارض با نسل اول حقوق بشر است پیش خواهد رفت. بر همین اساس،

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: دلایل برآمده از قرآن کریم و نسل اول حقوق بشر بر منع اوتانازی داوطلبانه کدامند؟ و به تبع سوال اول، سوال دیگری نیز شکل می‌گیرد که عبارتند از: قرآن کریم در مواجه با اوتانازی داوطلبانه چه رویکردی دارد؟ آیا می‌توان از آیات قرآن، دلیلی بر جواز اوتانازی داوطلبانه استفاده کرد؟ نسل اول حقوق بشر در مواجه با اوتانازی چه رویکردی دارد؟ با توجه به مجموع آیات قرآن کریم و با توجه به اهمیت حق حیات می‌توان دریافت که قرآن کریم جوازی برانجام اوتانازی داوطلبانه نمی‌دهد و بر اساس حق‌های تکوینی مانند حق کرامت انسانی، حق حیات، حق انحصاری خداوند در مرگ‌ومیر، نافی «اوتانازی داوطلبانه» است. همچنین در حقوق بشر اعم از نسل اول و دوم با توجه به تعهد مثبت دولت‌ها برای حمایت از حقوق بنیادین و با توجه به گونه قواعد حقوق بشر که قواعد امری است دلیلی بر موافقت با انجام اوتانازی وجود ندارد.

اهمیت ضرورت تحقیق

یکی از مصائب جهان معاصر، وارونه جلوه دادن ارزش‌ها و قبح زدایی از ضد ارزش‌ها است که به مرور زمان گستره فراوانی پیدا کرده است. دهه‌های گذشته در بخش «خدا ناباوری» و «همجنس‌گرایی» بود و امروزه در بخش اوتانازی. برخی نویسندگان تلاش می‌کنند تا در بخش خدا ناباوری با غرابت زدایی آن را به گونه‌ای معرفی کنند که گویی اندیشه نامحرمی نیست و رفته و رفته باید آن را در ذهن جای داد و در تلاش اند آتئیسم باوران را به آتئیسم بودن مفتخر کنند؛ مانند همجنس‌گرایی که در سابق به عنوان عمل شنیع قلمداد می‌شد، ولی با مرور زمان و با حمایت رسانه‌ها، قبح و شرم آن فروریخته و اساساً در حال حاضر به صورت یک امر عادی درآمده است و حتی آنان نام (gam) به معنی خوشحالی و سرمست و شاد برای خود برگزیدند. در بخش اوتانازی نیز با همین معضل روبرو هستیم که باگذشت زمان و با قبح زدایی از زشتی اوتانازی - به سبب عملکرد رسانه‌ها - سبب شده است که قباح آن پاک شود و رغبت به سمت ترویج آن شکل بگیرد، از طرف دیگر باکمال تأسف شاهدهیم که برخی کشورها؛ مانند: بلژیک، لوکزامبورگ، هلند، سوئیس و اخیراً اسپانیا، آنرا قانونی اعلام کرده‌اند. در آمریکا برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ در ایالت اورگان لایحه‌ای قانونی، تحت عنوان «مرگ با شرافت» تصویب شد که بیانگر تجویز خودکشی توسط پزشک برای برخی از بیماران در موارد استثنایی بود. این لایحه دو سال بعد از لایحه‌ای وضع شد که در استرالیا با عنوان «حق پایان بیماری» تصویب شده بود، ولی جامعیت نداشت. در همین سال در دولت استرالیا نهایت این لایحه لغو و لایحه تازه‌ای با عنوان «قوانین اوتانازی» به جای آن تصویب کرد. در قاره‌ای اروپا کشورهای بلژیک، هلند، اوتانازی را در ابتدای دهه ۲۰۰۰ قانونمند کردند. کشور بلژیک در سال ۲۰۰۲ قانونی را

مدون کرد که استفاده از اوتانازی بلامانع تلقی شود (آقاخانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹). باتوجه به موارد یاد شده، بررسی اوتانازی داوطلبانه و نشان دادن تعارض اوتانازی با نسل اول حقوق بشر تعارض آن با کرامت و حق حیات - که در قرآن بدان پرداخته شده است اهمیت دوچندانی پیدا می کند.

پیشینه تحقیق

مقالات کتاب‌های متنوعی در بخش اوتانازی نگارش شده است، اما تحقیقی که با رویکرد مطالعه تطبیقی (قرآن و نسل اول حقوق بشر) به بحث و کاوش از «اوتانازی داوطلبانه» پردازد مشاهده نشد. تحقیقات عمدتاً تک رویکردی بوده و از یکجبهه به بررسی پرداخته‌اند، اما بررسی از دو زاویه و نشان دادن افق‌های مشترک در رویکرد ملاحظه نشده بود که تحقیق پیش رو در تلاش است با همین روش به حل مسئله پردازد. در بخش اتانازی می توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد.

۱. بررسی ابعاد فقهی - حقوقی اوتانازی با رویکرد حقوق کیفری محسن آقاسی محمد مهدی رحیمی، نشر دانشگاه امام صادق (علیه السلام) کتاب در دو بخش تحت عناوین «بررسی و شناخت اوتانازی» و «اوتانازی در شریعت اسلام و رویکرد کشورهای مختلف» به بررسی این موضوع پرداخته است.

۲. مسائل فقهی و حقوقی قتل از روی ترجم (اوتانازی) مؤلف: اسماعیل آقابابائی پنی، ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. کتاب در چهار فصل: موضوع شناسی، مبانی حقوقی و قوانین، احکام تکلیفی اوتانازی و احکام وضعی و مجازات مرتکبین اوتانازی، تنظیم شده است و به بررسی رویکردی فقهی، حقوقی و پزشکی در بررسی مسئله اوتانازی می پردازد.

۳. مقاله مرگ ترجم آمیز از منظر قرآن، بهروز یدالله پور. این تحقیق به بررسی ادله قرآنی بر مخالفت با اوتانازی می پردازد.

۴. مقاله اوتانازی و حق بر خویشتن، چالشی در ماهیت حقوق بشر. این مقاله به بررسی جواز یا عدم جواز اوتانازی در دامنه حقوق بشر می پردازد.

تحقیق پیش رو با رویکرد توصیفی تحلیلی و بارویش کتابخانه‌ای به واکاوی «اوتانازی داوطلبانه» از منظر قرآن و نسل اول حقوق بشر خواهد پرداخت.

۱. مفاهیم محوری

۱-۱. اوتانازی

اصطلاح اوتانازی (Euthanasia)، برگرفته از زبان یونانی است و ترکیبی از دو بخش است (eu) به معنی خوب و (thanasia) به معنی مرگ است که با ترکیب دو واژه به

معنی مرگ خوب، مرگ آسان است. اوتانازی، در عصر حاضر به معنی ایجاد یک مرگ بی‌دردسر و ملایم در مورد کسانی که از ناتوانی دردناک و صعب‌العلاج رنج می‌برند بکار می‌رود. (HAZEL. 2001. p12. BIGGS. . .) به‌طور خلاصه، اوتانازی به معنی «کوتاه کردن عمده‌ی حیات دیگری بر اساس یک مصلحت مفروض با انجام فعل یا ترك يك اقدام حیاتی می‌توان تعریف کرد» (صادقی ۱۳۹۲: دوره هفتم، شماره دوم).

۲-۱. اقسام اوتانازی

اوتانازی در یک تقسیم‌بندی کلی به سه بخش داوطلبانه، غیر داوطلبانه و اجباری تقسیم می‌شود که دو بخش اول نیز به فعال و منفعل، قابل تقسیم است.

۱-۲-۱. اوتانازی داوطلبانه فعال

بخشی از اقسام اوتانازی است که شخص بیمار با اراده و با درخواست شخصی، خواهان پایان دادن به زندگی است (آقابائی‌بنی، ۱۳۹۱: ۴۴) به‌گونه‌ای که هیچ تردیدی در رضایت مریض برای قطع حیات وجود ندارد. رکن اصلی دراوتانازی اراده‌ی فعال، فعل یا عمل مادی مثبتی است که به‌منظور تسریع در مرگ بیمار صورت می‌گیرد. مثلاً پزشک با تجویز دارو موجب تسریع در مرگ بیمار می‌گردد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۸۲).

۱-۲-۲. اوتانازی داوطلبانه منفعل

اوتانازی داوطلبانه غیرفعال بخشی دیگر از اقسام اوتانازی است که بیمار با تصمیم و رضایت قلبی درخواست پایان دادن به زندگی است. این بخش از اوتانازی با عدم شروع به درمان یا با قطع درمان محقق می‌شود که به سبب آن از طولانی شدن عمر جلوگیری می‌شود (No3. 1998. Bernadette Spina)

۱-۲-۳. اوتانازی غیر داوطلبانه فعال

فرد بیمار در این بخش از اوتانازی، صلاحیت قانونی برای تصمیم‌گیری را ندارد و از لحاظ روانی نیز قادر به درخواست صریح برای چنین درخواستی نیست. از لحاظ قانونی صلاحیت برای تصمیم‌گیری را ندارد، زیرا دارا بودن قدرت قانون مداری وابسته به شروط سه‌گانه: عقل، بلوغ و اختیار است و فرد بیمار در چنین حالتی به عنوان شهروند قانون مدار به حساب نمی‌آیند. به عبارتی دیگر، چنین فردی از جهت گونه‌هستی‌شناسی در مرتبه نفس نباتی است و برای رسیدن به فرد قانون‌مند باید مازاد بر دارا بودن نفس نباتی از نفس حیوانی و نفس انسانی نیز برخوردار باشد. و از طرفی از لحاظ روانی نیز از سلامت روانی برخوردار نیست و صلاحیت برای تصمیم‌گیری را ندارد. برای مثال بیمار در حال کما است یا دچار مرگ مغزی شده است که توان اعلام رضایت ندارد، ولی این رضایت از سوی اولیای قانونی اعلام می‌گردد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸). بیمار دچار مرگ

مغزی از جهت توانمندی مغزی کاملاً مرده است و مغز چنین فردی هدایت و رسانایی خود را از دست داده است. مغز در چنین حالتی هر چند سالم است، ولی مانند سیمی است که ظاهرش سالم است، ولی رشته‌های آن از داخل قطع شده است و مغز هدایت و رسانایی خود را ندارد. انسانی که دچار مرگ مغزی شده است، ضریان قلب چنین فردی به سبب دارا بودن اتوماتیک خاص مدت‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد، اما ضریان قلب ارتباطی با سلامت مغز ندارد، زیرا بیماری که دچار مرگ مغزی شده است به هیچ وجه برگشت بیمار ممکن نخواهد بود و اگر دست دستگاه تنفس را قطع کنند، بیمار خواهد مرد. و اگر علم پزشکی نبود و این دستگاه به بیمار وصل نبود، بیمار قطعاً مرده بود.

۴-۲-۱. اوتانازی غیر داوطلبانه منفعل

اوتانازی غیر داوطلبانه منفعل در بخش عدم کسب رضایت بیمار به سبب نداشتن شرایط عادی با اوتانازی غیر داوطلبانه فعال مشترک است. تفاوت در این است که اوتانازی غیر داوطلبانه منفعل با ترک فعل و عدم درمان مرگ صورت می‌گیرد، ولی مرگ برای او با اهداف انسان دوستانه و تحت نظر قرار دادن کرامات انسانی است که باختم حیات محقق می‌شود (همان: ۹۴).

۴-۲-۵. اوتانازی اجباری

در این نوع از اوتانازی هیچ‌گونه رضایت و تقاضایی از جانب شخصی موضوع اوتانازی واقع نشده است، بلکه به شکل اجباری و با کمک قوه قهریه شکل می‌گیرد. نمونه بارز آن عملیات T4 توسط آلمان نازی در سال ۱۹۳۹ هست که در این عملیات کلیه کودکان زیر ۳ سال که دچار عقب‌ماندگی ذهنی یا نقص عضو یا ناتوانی جسمی بودند به اجبار و بدون اخذ رضایت و صرفاً با ارائه تقاضا از سوی اشخاصی که به لحاظ قانونی می‌توانستند به جای آن‌ها تصمیم بگیرند، کشته شدند (همان: ۹۷).

۱-۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر، آرمان مشترکی برای تمام ملل جهان محسوب می‌شود که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسیده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه شامل (نسل اول حقوق بشر) حقوق بنیادی مدنی است و نسل دوم حقوق بشر شامل حقوق فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (غفوری، بی‌تا: ۱۷۱).

۴-۱. نسل اول حقوق بشر

حقوق بشر را به اشکال مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. نگرش نسلی که توسط حقوق‌دانی

از کشور چک به نام «کارل واساک» پیشنهاد گردید یکی از اقسام تقسیم‌بندی‌ها است. بر این اساس حقوق نسل اول: بیانگر حقوق مدنی و سیاسی است، همانند حق حیات که اساسی‌ترین آن‌ها است. حق انتخاب مذهب، حق آزادی، حق امنیت، حق ازدواج، حق شرکت و تشکیل مسالمت‌آمیز مجامع در این بخش قرار دارد (مقتدایی، دوره ۲۲، شماره ۳). حقوق نسل دوم یا حقوق مثبت، شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که با اصطلاح «حق بر» ۱ در مفاد اعلامیه مطرح شده‌اند که می‌توان به حق برتامین اجتماعی، حق بر کار، حق بر استراحت... تأکید کرد (امیروکیل، ۱۴۰۰: ۳۹) و حقوق نسل سوم، حقوق همبستگی مبتنی بر اصل برادری است حقوقی که «وستون» به‌عنوان حقوق نسل سوم در مقاله خود ارائه کرده است عبارت‌اند از: حق بر تعیین سرنوشت سیاسی-اقتصادی و فرهنگی؛ حق بر توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی؛ حق سهیم شدن در کسب منفعت از میراث عمومی بشر؛ حق بر صلح؛ حق بر محیط‌زیست سالم و حق نجات و رهایی بشردوستانه از بلایا عنوان کرد و امروزه از حق ارتباطات به‌عنوان حق نسل چهارم یاد می‌کنند که مبانی شکل‌گیری آن بر اساس کرامت انسانی است و می‌توان از دو گونه کرامت یاد کرد: کرامت اعطایی و کرامت اکتسابی، مثلاً در بخش کرامت اعطایی که در ادبیات حقوق بشری از آن به حیث ذاتی^۲ تعبیر می‌شود به‌تمامی انسان‌ها به‌صرف انسان بودن تعلق دارد. در این مقاله حقوق نسل اول؛ یعنی حق حیات مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. بررسی جواز یا عدم جواز اوتانازی داوطلبانه از نظر قرآن کریم

قرآن کریم سندی جاویدان و میزانی ماندگار در تبیین و تشریح اصول زندگی و معیارهای هنجاری است. باید باعرضه پرسش‌ها به قرآن، پاسخ‌ها را دریافت کرد و راه را از بیراهه شناخت. با توجه به آیاتی از قرآن کریم در بخش‌های حق حیات، کرامت ذاتی... می‌توان به عدم جواز اوتانازی فعال از منظر قرآن آگاهی یافت. دلایل منع اوتانازی در دو گروه قرار می‌گیرد، گروه اول در بستر عمومی به این ممنوعیت توجه می‌کنند (آقاخانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۹).

۲-۱. دلایل عمومی منع اوتانازی از منظر قرآن

عمده‌ترین دلایل عمومی در نگاه قرآن کریم مبنی بر عدم جواز اوتانازی عبارت‌اند از: حق حیات، حق کرامت انسان، انحصاری بودن حق مرگ برای خداوند، اصل حکیمانه بودن درد و رنج و احتمال خطا در تشخیص است (آقاخانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۸) که در این بخش به تبیین حق‌های یادشده خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱. حق حیات

حق حیات در میان قوانین تکوینی خداوند متعال از ارزش اهمیت سرشاری برخوردار است و پایه برای قوانین دیگر است. بر همین اساس، قواعد دیگر مانند قاعده کرامت، آزادی از حق حیات سرچشمه می‌گیرد. اهتمام به حفظ حیات مراقبت از حیات انسان‌ها در قرآن کریم مورد توجه جدی قرار گرفته است. چنانکه در قرآن واژه حیات در مجموع تمام مشتقات (ح ی ی) ۱۸۹ بار در قرآن آمده است و در مقابل واژه موت در مجموع مشتقات (م و ت) ۱۸۵ بار تکرار شده است. قرآن کریم از حفظ حیات به عنوان وظیفه عمومی یاد می‌کند. حق حیات اختصاص به گروهی ندارد، زیرا طبق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰) و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم. هر انسانی حق کرامت دارد و کرامت بدون حیات نخواهد بود، چنان که خلافت الهی که مایه کرامت اوست: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت. (بقره/۳۰) بدون حیات نخواهد بود و اصل خلافت (فی الجملة) اختصاص به انسان‌های معصوم ندارد، هر چند خلافت تام و کامل بهره آنان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۸۶).

۲-۱-۱-۱. اهمیت حق حیات

حیات وزندگی بزرگ‌ترین موهبت الهی است که به انسان اعطاشده است: الْحَيَاةُ هِبَةٌ الله، به همین جهت احدی حق از بین بردن یا ضعیف کردن آن را ندارد. این حق، از جانب خداوند در امانت اوست و انسان مأمور و مکلف به حفظ آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که رسول الله ﷺ در حجة الوداع در سرزمین منی ایستاد و فرمود: «إِنَّهَا النَّاسُ اسْتَعْوَأُوا قَوْلَ لَكُمْ فَاَعْقِبُوهُ عَنِّي فَإِنِّي لَأَدْرِي لَعَلِّي لَا أَلْقَاكُمْ فِي هَذَا الْمَوْقِفِ بَعْدَ عَامِنَا هَذَا ثُمَّ قَالَ أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً قَالُوا هَذَا الْيَوْمُ قَالَ أَيُّ شَهْرٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً قَالُوا هَذَا الشَّهْرُ قَالَ أَيُّ بَلَدٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً قَالُوا هَذَا الْبَلَدُ قَالَ فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْتَهُ...» (حرعاملی، ۱۴۱۱: ج ۱۰/۲۹) ای مردم سخن مرا بشنوید و (در آن) تعقل و تفکر کنید، زیرا شاید من شمارا بعد از امسال ملاقات ننمایم. سپس فرمودند: آیا می‌دانید کدام روز محترم‌تر است؟ مردم گفتند: امروز، فرمود: پس کدام ماه؟ مردم گفتند: این ماه، فرمودند: کدام شهر محترم‌تر است؟ گفتند: این شهر، فرمود: پس به حقیقت خون‌ها و مال‌ها و آبروهای شما بر همدیگر حرام است مانند امروز، در این ماه در این شهر تا روزی که خدا را ملاقات کنید، بر همین اساس حفظ نفس و پرهیز از قتل یکی از سفارش‌ها قرآن کریم است، چنانکه می‌فرماید: مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بَعِيرَ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده / ۳۲) هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه

انسان‌ها را کشته، هر کس. انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم رازنده کرده است.

۲-۱-۱-۲. کشتن یک انسان به منزله کشتن تمامی انسان‌ها

قرآن کریم کشتن یک انسان را به منزله کشتن همه انسان‌ها می‌داند. برخی از مفسران می‌نویسند هر فرد انسان حامل حقیقت واحدی است که در جمیع انسان‌ها وجود دارد و آن حقیقت انسانیت است به همین دلیل کشتن یک انسان، کشتن نوع انسان قلمداد شده و زنده کردن یک انسان نیز به منزله زنده کردن همه انسان‌ها است وقتی انسان‌ها همگی از یک حقیقت واحد برخوردارند باهدف قرار گرفتن یک انسان در حقیقت انسانیتی که در همه انسان‌ها است هدف قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱۶/۵). برخی دیگر به راین باورند که کشتن یک انسان بی‌گناه توهین به مقام شامخ ربوبی و اهانت به خالق هستی است (جعفری، ۱۷۸: ۱۳۶۳) و بر همین اساس، به منزله کشتن همه انسان‌ها است. قرآن کریم برای حفظ حق حیات، مجازات سنگینی را برای کسانی که حیات دیگران را تهدید کنند، قرار داده است.

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء/۳۳) نفسی را که خدا برای آن حرمت قرار داده است، جز به حق، به قتل نرسانید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و خودتان را نکشید، بی‌تردید خدا بر شما مهربان است.

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/۹۲-۹۳)

با توجه به اهمیت حفظ حیات، می‌توان به عدم جواز اوتانازی فعال آگاهی یافت زیرا در اوتانازی فعال فرد با اختیار خودش به سمت مرگ حرکت می‌کند.

۲-۱-۱-۳. سلب حیات در اوتانازی فعال

با توجه به اهمیت حق حیات آشکار می‌شود که جوازی برای سلب حیات انجام اوتانازی فعال وجود ندارد. سلب حیات به دو شکل قابل تصور است. بخشی در اوتانازی داوطلبانه که شخصی از کسی بخواهد که او را بکشد و شخص کشنده را از مجازات معاف بدارد، به این دلیل که خود مقتول از حق حیات خود صرف نظر کرده است.

صورت دوم این است که شخص آگاهانه یا درراهی بگذارد که فرجام آن صد درصد به مرگ او می‌انجامد و یا احتمال مرگ در آن راه بالاتر از ۵۰ درصد می‌باشد، مثل حضور در یک جنگ خونین و یا رفتن روی میدان مین برای خنثی کردن و باز کردن

راه نیروهای خودی در حال اضطراب و...

صورت دوم موردنظر نیست و اصطلاح صرف‌نظر کردن از حق حیات این مورد را در نظر ندارد، منظور صورت اول است، مانند تیر خلاصی زدن به مجروحی که قابل نجات نیست، یا تزریق آمپول مرگ به بیماران بی‌درمانی که درد می‌کشند و امیدی به بهبود ندارند. حکم ظاهری و اولیه آیات قرآن این است که انسان حق ندارد خود را در معرض هلاکت و نابودی قرار دهد: **وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ** (بقره/۱۹۵) حیات حقی نیست که قابل سلب یا واگذاری باشد، تا کسی آن را از خود سلب کرده دیگری را در قتل خویش مجاز بداند یا تشویق کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید چون حفظ حیات و زندگی، حق طبیعی من است، هرگونه که خود خواستم می‌توانم در آن تصرف کنم، چنان‌که مدافعان خودکشی می‌گویند، انسان آزاد است که جزء وارد آوردن زیان به حقوق دیگران دست به هر کاری بزند و در بدن خود تصرف کند. این دیدگاه، با تفکر دینی شدیداً در تعارض است، به جهت این‌که خداوند خواسته است حیات انسان، حیاتی معقول بوده و او برای حفظ چنین حیاتی، کوشا باشد، درحالی‌که انتحار و خودزنی با حفظ حیات انسانی در تضاد است؛ و اگر خداوند انسان را مکلف به حفظ حیات خویش کرده به این معنا نیست که خود بخواهد سودی ببرد، بلکه خواسته است به خود انسان سودی رساند؛ لیکن چون انسان گاهی بر اثر جهالت یا غفلت، اراده می‌کند خود را از حقوق طبیعی خویش محروم سازد خداوند از طریق تکلیف کردن خواسته است او را از حق خویش آگاه کند. بنابراین، اگر انسان مدرن به دنبال حق خویش است بر او لازم است تکلیف خود را نیز بداند و از طریق آگاهی به تکلیف و عمل بدان به حقوق خویش دست یابد (همان: ۲۶۶).

۲-۱-۲. حق کرامت انسانی

یکی دیگر از دلایل منع اوتانازی داوطلبانه، منافات داشتن آن با کرامت انسانی است. کرامت اسم مصدر و از ماده کرم به معنی بزرگواری یا گران‌مایگی است و کریم متضاد لئیم درباره کسی است که دربردارنده جامع اوصاف پسندیده باشد. کرامت با مشتقاتش در قرآن کریم پنجاه‌با به‌کاررفته و در همه موارد در معنی بزرگ، بزرگوار، شریف عزیز استعمال شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۷۱).

۲-۱-۲-۱. کرامت ذاتی و اکتسابی

کرامت، در یک تقسیم‌بندی به دو بخش کرامت ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. کرامت ذاتی که در ادبیات حقوق بشری از آن، به حیثیت ذاتی تعبیر می‌شود کرامتی

است که ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه انسان است و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی‌شود؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱۷) کرامت انسانی یک ارزش وجودی است؛ ارزش یا شایستگی که به هویت شخص یا گونه نسبت داده می‌شود به بیانی ایده کرامت انسانی بر شناخت هویت مناسب اصرار دارد (George, Human Dignity, p10). بنابراین، کرامت انسانی عطیه الهی و از سنخ وجود و امری حقیقی است که ذهن آن را انتزاع می‌کننده امر مفهومی قراردادی که با لغو قرارداد از اعتبار ورزش ساقط شود (مبانی کرامت از دیدگاه ملاصدرا. رضایی). مشهورترین مستند کرامت ذاتی آیه ۷۰ سوره اسراء است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، این آیه بر سه نکته تأکید می‌کند. این کرامت خدادادی است اکتسابی نیست، این کرامت میان همه انسان‌ها مشترک است و این کرامت بیانگر برتری انسان بر سایر مخلوقات است (آراسته، ۱۴۰۰: ۶۳).

کرامت اکتسابی گونه دیگر از کرامت است که با تلاش و کوشش به دست می‌آید. این کرامت ویژه انسان‌هایی است که با کوشش و تلاش در مسیر تقویت شرافت و هویت انسانی قدم برمی‌دارند. چنان که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: خداوند در فرشتگان فقط عقل نهاده است و نه خواهش نفسانی و در ستوران میل و خواهش نهاده است و عقل نه و در بنی آدم هر دو را نهاده است. پس آن که عقلش بر خواهشش چیره آید از فرشتگان بهتر است و هر که خواهشش بر خردش غالب شود از ستوران بدتر است. کرامت اکتسابی بر اساس تلاش و کوشش افراد به دست می‌آید. تفاوت کرامت ذاتی و اکتسابی در این است که کرامت ذاتی غیرارادی، ولی کرامت اکتسابی ارادی و اختیاری است. کرامت اعطایی، همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد، ولی کرامت اکتسابی به افراد خاص اختصاص دارد و قوام و دوام کرامت ذاتی به قوام و دوام هویت انسانی بستگی دارد (همان: ۶۶).

با توجه به اقسام کرامت آن‌چه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و آن‌چه در عدم جواز اوتانازی داوطلبانه بدان توجه شده در بخش کرامت ذاتی است که لازمه کرامت حفظ حیات است.

۲-۲-۱-۲. عوامل شکل‌گیری کرامت ذاتی

عوامل مختلفی در شکل‌گیری کرامت ذاتی در انسان تأثیرگذارند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. علم به اسماء الهی

یکی از دلایل کرامت ذاتی انسان، علم به اسماء الهی است: انسان تنها موجود شایسته‌ای است که توانمند در شناخت اسماء حسنی الهی است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»

كَلَّمَاهُمْ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا
 إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (بقره / ۳۱ - ۳۲) ویر اساس همین ویژگی و دارا
 بودن ظرفیت علمی وسیع، معلم فرشتگان نیز هست: قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ
 بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (بقره / ۳۳). براین اساس
 انسان کامل، مازاد بر عالم بودن به اسمای خداوند، معلم اسمای حسناي الهي نیز هست
 و ملائکه، نه تنها عالم به اسمای حسناي الهي نیستند، بلکه مأمورند که متعلمانه و در
 حد گزارش علمی، آن‌ها را از محضر استاد خود (آدم) فراگیرند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸:
 ۲۱۸) لازمه علم به اسماء الهی داشتن کرامت ذاتی است که او را بر همه موجودات
 برتری می‌دهد.

۲. خلافت

یکی دیگر از دلایل کرامت ذاتی انسان، مقام خلافت است. خلافت الهی، جایگاه
 والای انسان را در هستی رقم می‌زند. خدا انسان را که وجود عنصری او در زمین
 است، جانشین خود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰) و مسجود ملائکه قرار داده
 است: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا». (بقره / ۳۴) چنین انسانی مقام شایسته
 خلافت الهی را دارد و کرامت انسان، مرهون خلافت اوست، زیرا جانشین موجود کریم،
 کرامت دارد و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست،
 پس تعبیری که درباره انسان آمده، درباره هیچ موجود دیگری ذکر نشده است و آن
 تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (مجلسی، ۱۴۱۱
 :۳۲/۲) است، چون شناخت جان آدمی، از آن حیث که خلیفه خداست این خلافت نیز
 تکوینی است؛ نه قراردادی حتماً به شناخت خدا می‌انجامد، وگرنه معلوم می‌شود که
 انسان به خوبی شناخته نشده است. سند کرامت انسان است. انسان، جانشین خداست و
 از جانب او آمده است. از این رو، از کرامت برخوردار است؛ یعنی خلافت خداست که
 به انسان کرامت و عزت و شرافت بخشیده است؛ چنان که روح منسوب به خداوند به
 نسبت تکریمی و جان مضاف به خدا به اضافه اشراقی و تشریفی زمینه چنان خلافت
 و چنین کرامت را فراهم کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

۳-۱-۲. تسخیر آسمان و زمین برای او

یکی از دلایل کرامت ذاتی انسان، مسخر بودن آسمان و زمین برای انسان است و «سَخَّرَ
 لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (جاثیه / ۱۳). ذات پاك باری تعالی آسمان و زمین
 و آنچه در آن‌هاست را مسخر خلیفه خود کرده است که روی زمین زندگی می‌کند؛ و بر
 همین اساس او را بردیگران برتری داده است، ولقد کرمنا بانی آدم و حملناهم فی البر و البحر
 و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

با توجه به مقام بلند کرامت انسانی که هدیه الهی است. می‌توان دریافت که انجام اوتانازی فعال که سلب‌کننده حیات الهی است منافات با مقام کرامت است پس اگر انسانی با دست خود نابود شود یا اجازه دهد تا کسی دیگر او را به مرگ بکشاند کرامت انسانی خود را نابود ساخته است و هیچ دلیلی در اینکه چنین عملی منافی کرامت انسانی است پذیرفته نیست (یدالله پور، ۱۳۹۱: دوره ۱۵ ویژه‌نامه ۱)

۲-۱-۴. حق انحصاری خداوند متعال در مرگ و حیات

یکی دیگر از دلایل منع اوتانازی از منظر قرآن، انحصاری بودن مرگ و حیات به دست خداوند متعال است. قرآن کریم مرگ را مانند حیات امر وجودی و مخلوق خدا می‌داند: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ (بقره/ ۲۵۸)» برای این اساس تنها مبدأ فاعلی حیات و مرگ، خداست؛ زیرا اگر به دست دیگران بود، می‌توانستند جلوی آن را بگیرند؛ قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» و هیچ کس جز به فرمان خدا نخواهد مُرد» (آل عمران/ ۱۴۵). از طرفی دیگر انسان جاودانه در دنیا نمی‌ماند. بنابراین، خداوند فرمود: «هیچ کس حیات جاوید نخواهد داشت؛ «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ» (انبیاء/ ۳۴) و همگان طعم تلخ یا شیرین مرگ را خواهند چشید؛ (کل نفس ذائقة الموت) قرآن کریم می‌فرماید: نه تنها زمام حیات و مرگ جز به دست خدا نیست، بلکه هیچ کس از زمان و مکان مردن خود نیز باخبر نیست؛ (وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ) و اجل مسمی و لحظه مرگ هر موجودی پیش خدا معین است؛ «وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَ» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۱۶). بنابراین، با توجه به انحصاری مرگ و حیات که درد ستان خداوند متعال است، انجام اوتانازی داوطلبانه منافات با حق انحصاری خداوند متعال در مرگ و حیات دارد و اسلام حق مرگ را برای انسان به رسمیت نمی‌شناسد و حیات را به‌عنوان امانتی در دست انسان می‌داند و انسان را مالک حیات خویش نمی‌داند تا بتواند آن را ساقط کند (مظاهری، ۱۳۸۶: ۸۱).

۳. دلایل منع اوتانازی مرتبط با بیمار از منظر قرآن کریم

بخش دوم دلایل مخالفان اوتانازی بر اساس ملاحظه بیمار است که می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد: اجروپاداش بیمار تحمل بیماری، اجر و پاداش درمان‌کنندگان اعم از پرستاران و خانواده بیمار و پرهیز از کم‌طاقتی، لحاظ بلایا و مصائب بیماری به‌عنوان امتحان الهی. در این بخش به برخی از دلایل می‌پردازم.

یکی از دلایل منع اوتانازی در بیمار به سبب آزمایش و امتحان الهی است که در قرآن کریم تحمل رنج را بخشی از امتحان و آزمایش الهی شمرده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْيَبْلُوْا كُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ

وَشَرِّ الصَّابِرِينَ؛ و قطعاً شمارا به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده‌دهه شکیبایان را» (بقره/ ۱۵۵) خداوند متعال، انسان‌ها را آزمایش می‌کند و آزمایش الهی گونه‌های مختلفی دارد که بخشی از طریق بیماری و تحمل بیماری است. هدف خداوند از امتحان گاهی تربیت و پرورش استعدادها است. گاهی باهدف، شناخته شدن افراد صالح و فاسد، مؤمن و منافق و خوب و بد است که در قرآن کریم با لفظ «تمحیص» بدان اشاره شده است «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقُ الْكَافِرِينَ»؛ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده می‌شوند) و کافران را به تدریج نابود سازد. آگاهی هدف از امتحان الهی، اتمام حجت برای شناخت افراد در مقام عمل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۶۲). بنابراین، باید بیمار با تحمل بیماری بتواند از آزمایش الهی با موفقیت خارج شود و کم‌طاقتی و تن ندادن به تحمل صبر و انجام مرگ آسان منافات با آزمایش الهی دارد.

یکی دیگر از دلایل منع اوتانازی فعال در بیمار، رسیدن به مقام و اجر صبر است که خداوند متعال به سبب صبر مقامات معنوی بالایی به بیمار هدیه می‌کند. چنان که در قرآن می‌فرماید:

«انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب» بی‌تردید، شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب (و) به تمام خواهند یافت (زمر/ ۱۰).

«الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوک خداییم و یقیناً به‌سوی او بازمی‌گردیم. آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته‌اند (بقره/ ۱۵۷). بر همین اساس بر بیمار لازم است تا با تحمل بیماری بتواند به مقام صابرین برسد. کم‌طاقتی و پرهیز از شکیبایی و تن دادن به اوتانازی فعال منافات با مقام صبر دارد.

۴. بررسی جواز یا عدم جواز اوتانازی داوطلبانه از منظر نسل اول حقوق

بشر

حقوق بشر به بررسی حقوقی می‌پردازد که همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن و فارغ از جنس، مذهب، نژاد، رنگ، زبان، طبقه اجتماعی از آن برخوردارند. حقوق بشر با اوصافی؛ مانند: جهان‌شمولی، غیرقابل سلب بودن، تبعیض ناپذیری و برابری همراه است. این حقوق لازمه طبیعت بشر است و پیش از پیدایی دولت‌ها وجود داشته و دولت‌ها باید به آن اعتراف و آن را محترم بشمارند. بنابراین، مراد از حقوق بشر حقوق طبیعی است نه حقوق وضعی و قراردادی (آراسته، ۱۴۰۰: ۱۱). حقوق بشر به‌موازات فاصله گرفتن از دوره کلاسیک و اثرپذیری از دوره مدرن در بخش مبانی و مواد

دچار نواقصی است که نیازمند بازنگری است، زیرا حقوق بشر بیانگر حقوقی است که برخاسته از طبیعت بشری است و به حقوق برخاسته از فطرت انسان‌ها همانند حس خداجویی، گرایش به دین توجه ندارد. حال آن‌که اگر در تدوین حقوق بشر ملاحظه فطرت انسان‌ها را داشتند، حقوق بشر به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. مثلاً ماده ۱۸ می‌گوید: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن اظهار عقیده و ایمان هست و همچنین شامل تعلیمات و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به‌طور کلی خصوصی یا عمومی برخوردار شود». آزادی تغییر مذهب یا عقیده با مبانی دینی سازگار نیست. حق آزادی عقیده و بیان تا زمانی محترم است که با حق الله و حق جامعه سازگار باشد. در مقام تعارض، حق آزادی عقیده و بیان محدود می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۸۵). در بخش مبانی نیز حقوق بشر با مشکلات جدی مواجه است، زیرا حقوق بشر در بخش مبانی متأثر از دوره مدرن است که در بخش مبانی هستی‌شناختی معرفت‌شناختی مبتنی بر برداشت از مدرنیته است که اولاً ماورای ماده را از حوزه شناخت انسان خارج می‌کند ثانیاً متکی بر عقل خود بنیاد است که در شناخت نیازهای انسان به مطالبات دینی بهاء نمی‌دهد (میر موسوی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

اهمیت حق حیات در حقوق بشر حقوق بشر به‌ویژه حقوق نسل اول بشر - فارغ از اشکالات و نقدها - به حق حیات اهمیت فراوان می‌دهد و هرگونه تعرض به آن را بر نمی‌تابد، اهمیت حق حیات در این است که حق حیات مبنا برای دیگر حقوق شمرده می‌شود و با حفظ و صیانت از این حق دسترسی به سایر حقوق فراهم می‌شود (باقری و ملک، ۱۳۹۰: شماره ۱۹). حق حیات بخشی از حق‌های نسل اول به حساب می‌آید که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده است. در این ماده مهم‌ترین حق‌های بشری؛ یعنی حق حیات، حق آزادی و حق امنیت مورد توجه قرار گرفته است. این حق‌ها در زمره حقوق نسل اول؛ یعنی حقوق مدنی سیاسی شمرده می‌شوند.

البته حق حیات در نگاه مدرن و نسل اول حقوق بشر، مزاد بر بخش حقوق نسل اول در بخش‌های دیگر از اعلامیه حقوق بشر اشاره به صورت سلبی یا ایجابی به آن اشاره شده است که عبارت‌اند از:

۱. بند ۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات که طبق قانون لازم‌الاجرا است، البته نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون پیرامون جلوگیری و مجازات کشتار دسته‌جمعی است منافات داشته باشد.

۲. ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

سلب حق حیات باید فقط به موجب قانون و در پی ارتکاب جرم به حکم دادگاه صالح و پس از محاکمه عادلانه باشد. البته بر اساس پروتکل شماره ۶ این کنوانسیون مجازات اعدام لغو و دولت‌هایی که به آن پیوسته‌اند متعهدند هیچ جرمی را به استثنای برخی اعمال در زمان جنگ یا تهدید جنگ از سوی دشمن به مجازات اعدام محکوم نمایند.

۳. ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

قانون باید حیات فرد انسانی را از لحظه حمل مورد حمایت قرار دهد. ضمن این که بر اساس همین ماده مجازات اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال و بالاتر از ۷۰ سال ممنوع دانسته شده است.

با توجه به مجموعه قوانین حقوق بشر در بخش حق حیات می‌توان دریافت:

۱. اعدام به صورت کلی - جزء در موارد بسیار استثنایی - ممنوع بوده و اعمال حق شرط در آن نیز ممنوع است (آراسته، ۱۴۰۰: ۴۲).

۲. حفظ حیات درم تن حقوق بشر یکی از اصول بنیادینی است که دولت به‌عنوان متعهد اصلی در این حق انسانی از یکسو مکلف است نقص این حق نکن دو اجازه ندهد دیگران مرتکب چنین نقضی شوند و از سوی دیگر متعهد است اقدامات مثبتی برای حفظ ویتامین حیات شهروندان اتخاذ کند (فاطمی، ۱۴۰۰: ۴۲).

۳. لازمه پابندی به حق حیات که به‌عنوان یکی از وظایف دولت است، حق هرگونه تعرض درس لب حیات را نفی می‌کند. چنان که بر اساس بند یکم ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، حق ذاتی همه افراد بر حفظ حیات را مورد تأکید قرار می‌دهد. اطلاق و عموم این ماده به‌گونه‌ای است که همه افراد تحت همه شرایط را مشمول حمایت حقوق بشری در بهر مندی از حق ذاتی می‌داند؛ بنابراین این ماده هم واجد «عموم افرادی» و هم واجد اطلاق احوالی است یعنی همه افراد در همه احوال است (فاطمی، ۱۴۰۰: ۶۰/۲) برای اساس اوتانازی فعال که در تعارض با حق حیات است قابل اجرا نیست و مخالفت آشکار با قوانین دارد.

۴. به‌طور کلی با توجه به مطالب بیان شده می‌توان دریافت که هیچ تصریحی بر جواز اوتانازی در قوانین حقوق بشر بین‌المللی وجود ندارد. از همین رو دولت‌ها موظف هستند برای حفظ این حقوق با اتخاذ «راهکارهای فرهنگی اجتماعی، حقوقی، بهداشتی، پزشکی و توسعه‌ای» اقدام مقتضی را بنماید. رابطه صاحب حق و حق به‌گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند از سلب حق خود، حقوق دیگران را نقض کند و با سلب یکی از حقوق بنیادین خودش، امکان تمتع و بهره‌مندی خودش از سایر حقوق را از بین ببرد؛ زیرا اگر غیر از این امر متداول گردد،

دورنمای جامعه انسانی چیزی به جزء ویرانی و هرجومرج نخواهد بود (کوشا، ۱۳۹۵: شماره ۵). البته اگر اوتانازی فعال به صورت اقدام به خودکشی مطرح گردد از حیثه قواعد حقوقی موجود خارج می‌گردد و امری مربوط به شخص و اختیارات او هست، اگرچه می‌تواند معایر حقوق بنیادین بشری باشد، چراکه حقوق بنیادین بشری مانند حق حیات حق سلامتی... قابل سلب و اعراض نیست.

۵. بررسی دلایل موافقان اوتانازی داوطلبانه فعال و منفعل

موافقان اوتانازی داوطلبانه فعال و منفعل با ارائه دلایلی در تلاش‌اند که اوتانازی را امری قانونی و ممدوح نشان بدهند. موافقان دلایلی را برای مجاز شمردن اوتانازی ارائه داده‌اند که می‌توان به‌طور عمده به کرامت انسانی، خودمختاری، نگرانی از هزینه‌ها و درمان‌های طاقت‌فرسا، کنترل در پایان زندگی لزوم کاهش درد، اشاره کرد (یدالله پور، ۱۳۹۱: دوره ۱۵ ویژه‌نامه ۱). چنان‌که پرفسور دیزل بگزرا^۱، در کتاب مرگ آسان، مرگ باعزت و قانون ۲ اشاراتی به دلایل گزینش اوتانازی دارد و در این‌باره می‌نویسد. احترام به کرامت انسانی «مهم‌ترین ویژگی فرهنگ سیاسی غربی» توصیف شده است. احترام به کرامت انسانی به معنی احترام به ارزش ذاتی زندگی انسان است. مرگ باید با درجه‌ای از منزلت همراه باشد که کیفیت زندگی تا آن زمان را منعکس می‌کند. از این‌رو، باید توانایی در افراد ایجاد کند تا افراد سرنوشت خود را کنترل کنند. برای فردی که به دنبال مرگ باعزت و خودمختاری باشد، با پافشاری بر استفاده از هر روش درمانی موجود، ذاتاً مخرب کرامت انسانی است و می‌تواند کیفیت زندگی‌اش را به خطر بیندازد. بحث با «اوتانازی» در حال به دست آوردن شتاب بیشتر است و طرفدارانی که داوطلب هستند که با به دست گرفتن کنترل مرگ (در زمانی که مرگ غیرقابل اجتناب است) در حال افزایش است. ترس از مردن، ترس از مرگ احتمالی، ترس از خود مرگ، بخشی از شرایط انسانی است و ترکیب این ترس‌ها با نگرانی‌های جدید در مورد زیاد بودن مراقبت پزشکی نامناسب، باعث ایجاد هم‌گرایی با «اوتانازی» و مرگ باوقار شده است، چنان‌که در حال حاضر در فرهنگ غرب تثبیت شده است. علاوه بر این، مشخص شده است که انتخاب فردی و خودمختاری دلیلی بر انتخاب مرگ خودمختار است. همچنین بر اساس مطالعات میدانی که از بیماران صورت گرفت. شرکت‌کنندگان در این مطالعه در مورد دلایلی که بیماران برای درخواست (euthanasia) مورد سؤال قرار گرفتند. پاسخ‌های آن‌ها نشان داد که ۵۷ درصد از بیماران، یعنی بیش‌ترین سهم، از دست دادن کرامت، ۴۶ درصد از درد، ۴۶ درصد خواستار عدم وابستگی به دیگران

۱. استاد بازنشسته قانون مراقبت‌های بهداشتی و اخلاق زیستی در دانشگاه ساوت‌همپتون

2. Death with Dignity, Euthanasia and the Law

و ۲۳ درصد خستگی ذکرشده از زندگی هستند. در کم‌تر از ۵ درصد از موارد درد به‌عنوان دلیل اصلی درخواست خودکشی ذکرشده است. حفظ کرامت از طریق اجتناب از وابستگی و حفظ استقلال، از اهمیت بیشتری برای کسانی دارد که از درد رنج می‌برند. امروزه بسیاری از بیماران بر بیش از یک حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی تأکید دارند، آن‌ها به دنبال حق انتخاب انواع خاصی از درمان هستند. آن‌ها می‌خواهند کنترل خود را در تمام طول عمر خود حفظ کنند و در تمام تصمیمات پزشکی مربوط به رفاه و درمان خود، خودمختاری را اعمال کنند. بررسی اعضای جامعه اوتانازی داوطلبانه، شواهدی دال بر این گرایش را اثبات می‌کند که دلیل آن‌ها در بیشتر موارد برای این است که بتوانند خود را در شرایط مرگ کنترل کنند؛ بنابراین، مفاهیم کرامت، استقلال خودمختاری و کنترل در پایان زندگی، عوامل کلیدی در رابطه با اوتانازی هستند (HAZEL BIGGS.2001.p145).

۵-۱. نقد دلایل موافقان اوتانازی

موافقان اوتانازی به ادله گوناگونی تمسک کرده‌اند که در میان آن‌ها می‌توان به حفظ کرامت و کاهش درد و رنج اشاره کرد که در این بخش به تحلیل خواهیم پرداخت. حفظ کرامت در میان ادله یادشده عامل مهمی در انجام اوتانازی است؛ که هر دو گروه یعنی مخالفان و موافقان اوتانازی از آن در اثبات ادعایشان استفاده می‌کنند. شاید بتوان گفت وجه اشتراک هر دو گروه در کرامت انسانی در تبیین مصداق کرامت است که اولاً؛ مصداق کرامت انسان است و ثانیاً؛ مراد از کرامت شان و حیثیت منزلت انسانی است. تفاوت دو گروه از موافقان و مخالفان اوتانازی در بخش مبانی کرامت است. مخالفان اوتانازی - که بیشتر در حوزه دین‌داران است - کرامت انسانی را عطیه الهی و ارزش وجودی و هویتی می‌دانند و بر این باورند که کرامت انسانی به سبب عواملی برای انسان حاصل است که عمده‌ترین آن‌ها به سبب مقام خلافتی است که خداوند متعال به انسان داده است. بر همین اساس، انجام اوتانازی داوطلبانه، منافات با کرامت انسانی دارد؛ اما موافقان اوتانازی در غرب، کرامت را برآمده از نگاه اومانستی و عقل خود بنیاد می‌دانند که ربط با وحی قطع شده و تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی و توانایی عقلانی و اخلاقی به‌طور ذاتی و یکسان از آن برخوردار هستند (میراحمدی و کمالی، ۱۳۹۳: ۳۱). بنابراین، کرامت انسانی در عصر جدید - از قرن هیجدهم به بعد که متأثر از کانت است - کرامتی مستقل از «ماوراء طبیعت» و «الهیات» است (پور دهکردی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). فارغ از دسته بندی دوگانه باید توجه داشت که در دین مبین اسلام، انسان جایگاهی فراتر از جماد و نبات و حیوان و فرشته، دارد. حقیقت انسان همان است که خداوند در حق او فرمود: «و نفختُ فیهِ مِنْ رُوحِی (ص/۷۲) پس زمانی که اندامش را

درست و نیکو نمودم و از روح خود در او دمیدم». خداوند جایگاه وجودی او را تا جایی ارتقا بخشیده که همه مخلوقات را تحت سیطره و سلطه او قرار داد است: «و سَخَّر لَكُمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ (جاثیه/۱۳)، و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد» بنابراین وجود حقیقی انسان، شان و رتبه ای که است که خداوند متعال در روی زمین به ایشان داده است که او را خلیفه روی زمین قرار داده است و نعمت‌هایی را اعم از نعمت‌های مادی یا معنوی به عنوان امانت به او سپرده است. همچنین هستی انسان و هویت و شخصیت وی، امانت الهی است و امانت‌دار خداوند است و نمی‌تواند در سرنوشت خود به هر نحوی که خواست دخالت کرده و آن را رقم زند. شخصیت و هویت آدمی جزئی از حقوق الهی است و در مقابل این حقوق، فرد موظف و مکلف است آن را حفظ کرده و در مدار و مسیر صاحبش قرار دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۹۷). بنابراین انسان خودش یا دیگری حق ندارد حیات را که هدیه الهی و امانت الهی است از بین ببرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴ / ۲۶۰).

۶. کاهش درد و رنج

یکی دیگر از دلایل موافقان اتانازی کاهش درد و رنج است. در مواردی که بیمار تحت فشار درد و بیمار لاعلاجی است. سلب حق انتخاب‌رهایی از بیماری بوسیله مرگ، خارج از حقوق انسانیت است. بر همین اساس اتانازی راهی عاقلانه برای جلوگیری از ادامه درد و رنج است.

در پاسخ به ادعای یاد شده توجه به حقیقت زندگی انسانی است که زندگی انسان یک زندگی امتداد یافته است و هر دوره‌ای از زندگی بخشی از حیات را شامل می‌شود، زندگی پس از مرگ، تکامل یافته زندگی دنیوی است و به بیانی مرگ پایان راه نیست، بلکه مرگ کانالی برای عبور به مرحله دیگر از حیات است. بر همین اساس، قطع رنج بوسیله مرگ، رنج بیشتری را در عالم آخرت نصیب او خواهد کرد، زیرا که خیانت به امانتی کرده است که خداوند متعال به او ودیعه گذاشته بود. همچنین توجه به این نکته باید داشت که انسان در این دنیا در حال تکامل است و تکامل معنوی انسان در بسترهای گوناگونی اعم از نیش و نوش تحقق پیدا می‌کند و بیماری و حتی مرگ مغزی... برای بیمار مرحله‌ای از تکامل نفس اعم از تخفیف عذاب، ارتقای درجه است. امام صادق در همین بخش می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلَةً لَا يُلْعَقُهَا عَبْدٌ إِلَّا بِالْإِبْتِلَاءِ فِي جَسَدِهِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳ / ۲۵۸). همانا در بهشت منزلتی است که هیچ بنده‌ای بدان نمی‌رسد مگر با بلایی که [در دنیا] به بدنش می‌رسد. «این گفتار، بیانگر تکامل نفس بوسیله بلایا در قیامت است و در روایت دیگری فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَمَتَّى أَنَّهُ قُرْضَ بِالْقَارِيضِ» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲ / ۲۵۵)؛ چنان‌چه مؤمن می‌دانست که در

مصیبت‌هایش چه مقدار پاداش دارد، هرآینه آرزو می‌کرد که «اجزای بدنش» با قیچی چیده و قطعه‌قطعه شود. «بنابراین با نگاه سطحی نمی‌توان به عمق حکمت‌های الهی رسید و درباره آن قضاوت کرد.

نتیجه

۱. با توجه به مجموع ادله‌ای درون دینی و دلایل حقوق بشری می‌توان دریافت که جوازی برای انجام اوتانازی فعال وجود ندارد.

۲. قرآن کریم در بخش منع اوتانازی از دو روش عمومی و حقوق بیمار وارد شدند. در بخش عمومی می‌توان به ادله‌ای مانند حق حیات، حق کرامت انسان، انحصاری بودن حق مرگ برای خداوند، اصل حکیمانه بودن درد و رنج و احتمال خطا در تشخیص اشاره کرد.

۳. حق حیات در میان قوانین تکوینی خداوند متعال از ارزش اهمیت سرشاری برخوردار است و پایه برای قوانین دیگر است. بر همین اساس قواعد دیگر مانند قاعده کرامت، آزادی از حق حیات سرچشمه می‌گیرد.

۴. کرامت، در یک تقسیم‌بندی به دو بخش کرامت ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. کرامت ذاتی که در ادبیات حقوق بشری از آن به حیثیت ذاتی تعبیر می‌شود. کرامتی است که ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه انسان است و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی‌شود.

۵. کرامت انسانی عطیه الهی است و براساس آیه (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ خَلْقِنَا فَضِيلًا) است این آیه بر سه نکته تأکید می‌کند. این کرامت خدادادی است اکتسابی نیست، این کرامت میان همه انسان‌ها مشترک است و این کرامت بیانگر برتری انسان بر سایر مخلوقات است

۶. در بخش منع اوتانازی ناظر به حقوق بیمار می‌توان به ادله‌ای مانند اجروپاداش بیمار، تحمل بیماری، اجر و پاداش درمان کنندگان اعم از پرستاران و خانواده بیمار و پرهیز از کم‌طاقتی، لحاظ بلایا و مصائب بیماری به‌عنوان امتحان الهی اشاره کرد.

۷. در بخش حقوق بشر (ناظر به منع اوتانازی) به‌ویژه حقوق نسل اول بشر با توجه به اهمیت حق حیات که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده است. همچنین با توجه به بند ۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به منع مجازات اعدام پرداخته و با توجه به ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌توان به منع اوتانازی آگاهی یافت.

۸. موافقان دلایلی را برای مجاز شمردن اوتانازی ارائه داده‌اند که می‌توان به‌طور عمده به کرامت انسانی، خودمختاری، نگرانی از هزینه‌ها و درمان‌های طاقت‌فرسا، کنترل در

پایان زندگی لزوم کاهش درد، اشاره کرد.

۹. باید توجه داشت که کرامت انسانی عطیه الهی و سبب عواملی برای انسان حاصل است که عمده‌ترین آن‌ها به سبب مقام خلافتی است که خداوند متعال به انسان داده است. بر همین اساس انجام اوتانازی داوطلبانه، منافات با کرامت انسانی دارد؛
۱۰. باید به این نکته داشت که انسان در این دنیا در حال تکامل است و تکامل معنوی انسان در بسترهای گوناگونی اعم از نیش و نوش تحقق پیدا می‌کند، بیماری و حتی مرگ مغزی مرحله‌ای از تکامل نفس اعم از تخفیف عذاب و ارتقاع درجه است.



منابع

۱. آقاخان، نوذر، ایزدی، کاظم، فرشتیان، حسن، سبحانی، ایرج (۱۳۹۶): «اوتانازی به مرگی و چالش‌های آن»، تهران: نشر کندوکاو
۲. آقابائی‌بنی، اسماعیل (۱۳۹۱): «مسائل فقهی و حقوقی قتل از روی ترجم»، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۳. آراسته جوان، حسین (۱۴۰۰): «حقوق بشر در اسلام»، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
۴. وکیل، امیر ساعد، عسکری، پوریا (۱۴۰۰): «نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)»، تهران: نشر مجد.
۵. پور دهکردی، سیمامحمدپور (۱۳۹۱): «کرامت انسانی از دیدگاه ملاصدرا و کانت»، قم: نشر بوستان کتاب.
۶. قاری فاطمی، سید محمد (۱۴۰۰): «کتاب حقوق بشر معاصر (دفتر اول)»، تهران: انتشارات معاصر
۷. غفوریلگ زده، علی (بی‌تا): «اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، تهران: نشر صراط.
۸. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۲): «بررسی فقهی و حقوقی اوتانازی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره دوم.
۹. رحیمی، محمدمهدی (۱۳۹۲): «محسن آقاسی، «بررسی ابعاد فقهی - حقوقی اوتانازی»، تهران: انتشارات امام صادق (ع)».
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، سبحانی، جعفر (۱۳۸۱): «پاسخ به پرسش‌های مذهبی»، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)»، چاپ دوم.
۱۱. مقتدایی، عباس (۱۳۹۰): «بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان دوره ۲۲، شماره ۳
۱۲. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۸): «نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام»، قم: موسسه امام خمینی.
۱۳. میر موسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق (۱۳۹۲): «مبانی حقوق بشر»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. مظاهری تهرانی، مسعود (۱۳۸۶): «حق مرگ در حقوق کیفری»، تهران: نشر هستی نما.
۱۵. مقامی، امیر (۱۳۸۷): «اوتانازی حق بر خویشستن، چالشی در ماهیت حقوق بشر»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱، ش ۲.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا): «اصول کافی»، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
۱۷. کوشا، سهیلا (۱۳۹۵): «چالش‌های اخلاقی، مذهبی، شرعی و حقوقی اوتانازی»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۵.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹): «تفسیر تسنیم»، قم: انتشارات اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «حق و تکلیف در اسلام»، قم: انتشارات اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶): «تفسیر انسان به انسان»، قم: انتشارات اسراء.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷): «توحید در قرآن»، قم: انتشارات اسراء.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی»، قم: انتشارات اسراء.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ الف): «سرچشمه اندیشه»، قم: انتشارات اسراء.
۲۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۳): «ترجمه و شرح نهج البلاغه»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۱): «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۲۶. کوشا، سهیلا (۱۳۹۵): «چالش‌های اخلاقی، مذهبی، شرعی و حقوقی اوتانازی»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال ۲، شماره ۵.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳): «المیزان فی تفسیر القرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ۱۳۶۰، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. یدالله پور، بهروز (۱۳۹۱): «مرگ ترجمه آمیز (اوتانازی ارادی فعال) از دیدگاه قرآن»، مجله دانشگاه علوم

پزشکی بابل، دوره ۱۵ ویژه نامه ۱ زمستان ۱۳۹۱

30. HAZEL BIGGS. Euthanasia, Death with Dignity and the Law OXFORD. 2001
31. George Kateb. Human Dignity Harvard University Press 2011
32. Bernadette Spina. ETHICAL JUSTIFICATIONS FOR VOLUNTARY ACTIVE EUTHANASIA. Vol. 3 No. (1998) Richmond Journal of Law and the Public Interest.

بررسی و تحلیل عدم جواز «اتانازی داوطلبانه» در آیات قرآن و نسل اول حقوق بشر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Seventh year
The first number
Consecutive 13
Spring & Summer
2022

References

1. Aghakhani, Nozer, Izadi, Kazem, Farshtian, Hassan, Sobhani, Iraj (2016): "Euthanasia by death and its challenges", Tehran: Kendokav Publishing.
2. Aghababai-bani, Ismail (2012): "Jurisprudential and legal issues of mercy killing", Qom: Publications of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
3. Arašteh Javan, Hossein (1400): "Human Rights in Islam", Qom: Publishing House and University Research Center, fifth edition.
4. Vakil, Amir Saed, Askari, Pouria (1400): "Third Generation of Human Rights (Solidarity Rights)", Tehran: Majd Publishing House.
5. Pour Dehkardi, Sima Mohammadpour (2012): "Human dignity from the perspective of Mulla Sadra and Kant", Qom: Boštan Kitab Publishing House.
6. Qari Fatemi, Seyyed Mohammad (1400): "Contemporary Human Rights Book (first edition)", Tehran: Contemporary Publications
7. Ghafoorigolzadeh, Ali (Bita): "Islam and the Universal Declaration of Human Rights", Tehran: Sarat Publishing.
8. Sadeghi, Mohammad Hadi (2012): "Jurisprudential and legal review of euthanasia", Shiraz University Legal Studies Journal, 7th volume, 2nd issue.
9. Rahimi, Mohammad Mahdi, Mohsen Aghasi(2012): "review of juridical and juridical aspects of euthanasia", Tehran: Imam Sadegh Publishing House.
10. Makarem Shirazi, Nasser, Sobhani, Jafar (1381): "Answers to religious questions", Qom: Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib (AS), second edition.
11. Moqtadaei, Abbas (2017): "Comparative study of the first generation of human rights in Western civil society with Islamic foundations", Isfahan University Humanities Research Journal, Volume 22, Number 3
12. Misbah, Mohammad Taqi (1388): "A brief look at human rights from the perspective of Islam", Qom: Imam Khomeini Institute.
13. Mir Mousavi, Seyyed Ali, Haqirat, Seyed Sadegh (2012): "Fundamentals of Human Rights", Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute.
14. Mazaheri Tehrani, Masoud (2006): "The right to die in criminal law", Tehran: Hašti Nama Publishing.
15. Maggi, Amir (2007): "Euthanasia is a right to oneself, a challenge in the nature of human rights", Journal of Medical Ethics and History, Volume 1, Issue 2.
16. Kolini, Mohammad bin Yaqub (Beta): "Esul Kafi", translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran: Ilmia Islamic Publications.
17. Kosha, Soheila (2016): "Ethical, religious, Sharia and legal challenges of euthanasia", Study Quarterly Journal of Protection of Women's Rights, No. 5.
18. Javadi Amoli, Abdullah (1389): "Tafsir Tasnim", Qom: Esra Publications.
19. Javadi Amoli, Abdullah (1388): "Rights and Obligations in Islam", Qom: Isra Publications.
20. Javadi Amoli, Abdullah (1386): "Tafsir Man to Man", Qom: Esra Publications.
21. Javadi Amoli, Abdullah (2017): "Monotheism in the Qur'an: Isra Publications.
22. Javadi Amoli, Abdullah (1388): "The flourishing of intellect in the light of the Hosseini movement", Qom: Isra Publications.
23. Javadi Amoli, Abdullah . (2016): "Source of Thought", Qom: Esra Publications.
24. Jafari, Mohammad Taqi (1363): "Translation and description of Nahj al-Balagha", Tehran: Islamic Culture Publishing House.
25. Har Ameli, Muhammad bin Hassan (1411): "Wasayl al-Shia", Qom: Al-Al-Bayt Lahiya al-Trath Institute.
26. Kosha, Soheila (2015): "Ethical, religious, Sharia and legal challenges of euthanasia", Study Quarterly Journal of Protection of Women's Rights, Year 2, Number 5.

27. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2013): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
28. Mostafavi, Hassan (1360): "Research on the words of the Holy Qur'an", Tehran: Translation and Publishing Company.
29. Yadullahpour, Behrooz (2013): " Merciful death (active voluntary euthanasia) from the point of view of the Qur'an", Journal of Bayel University of Medical Sciences, volume 15, special issue, 1st winter, 2013
30. HAZEL BIGGS. Euthanasia, Death with Dignity and the Law OXFORD.2001
31. George Kateb, 2011, Human Dignity Harvard University Press.
32. Bernadette Spina. ETHICAL JUSTIFICATIONS FOR VOLUNTARY ACTIVE EUTHANASIA

